

تاریخچه مجلس شورای ملی

دکتر باقر عاقلی

جلوگیری شود. سرانجام با اقدامات همه جانبه و تحصن و زد و خورد، توانستند مشروطیت را در ایران پادار و مستقر نمایند؛ و مشروطیت ایران بلاشک اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران را تغییر داد و آزادی نسبی و اصلاح دربار و دولت را در این کشور به ارمغان آورد.

در اعطای مشروطیت و حکومت قانون و تشکیل مجلس ملی، بلا تردید نقش روحانیت چه در ایران و چه در نجف و کربلا، چشمگیری خاصی داشت. به موجب اسناد متقن، سهم اول در برقرار شدن مشروطیت به روحانیون تعلق می گیرد و درحقیقت باید اذعان کرد که حکومت قانون و تشکیل مجلس ملی در ایران، مولود تلاش و فعالیت جامعه و روحانیت است.

در تاریخ ۱۴ مرداد ماه ۱۲۸۵، مظفرالدین پادشاه علیل و متزلزل، فرمان مشروطیت را صادر کرد و در فرمان دیگری، امر صریح به تأسیس مجلس و منتخبان ملت داد و عده ای را مأمور ساخت (۱) تا اقدام به تهیه نظامنامه کنند.

تشکیل مجلس ملی در ایران، چیزی نیست که به آسانی برای مردم تحصیل شده باشد. صدور فرمان و تشکیل مجلس ملی در ایران، ریشه های عمیق و پُر دامنه ای دارد که باید آن را در سلطنت پنجاهساله ناصرالدین شاه و دوران هرج و مرج پسرش جستجو کرد. اعطای امتیازات متعدد به روسیه و انگلیس، اخذ وامهای کمر شکن از بیگانگان برای فرو نشانیدن امیال شخصی و از دست دادن هویت و شخصیت ایرانی مانند تحمیل محاکمات کنسولی (کاپیتولاسیون) و غیره، عواملی بود که مردم را به جنبش و قیام علیه حکومت مطلقه و ادار ساخت، رفتار حکام سختگیر و شقاوت پیشه و مجازاتهای سنگین و سبانه در حق مردم و رعیت و اخذ و جوهی از مردم به عنوان پیشکشی، وظیفه، مداخله، مستمری و غیره - که تماماً در کلمه "رشوه" تعبیر می شد - مردم را عصبان زده ساخت؛ به گونه ای که برای نجات از این اوضاع غیر قابل تحمل، درصدد یافتن مرجعی شدند که از این همه اجحاف و ظلم و شقاوت



نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی



مظفرالدین شاه در میان چندتن از رجال سیاسی خود
 میرزا نصرالله خان مشیرالدوله - عبدالمجید میرزا عین الدوله - محمدعلی میرزا ولیعهد - میرزا احمدخان مشیرالسلطنه

صنیع الدوله (۲) به ریاست و میرزا حسن خان وثوق الدوله و حاج محمدحسین امین الضرب به نیابت انتخاب شدند.

دوره اول مجلس ملی در ایران، در حقیقت مجلس مؤسسان و خبرگان بود. این مجلس می بایستی مشروطیت را به وجود می آورد و کشور را از حال بی قانونی صرف به اوضاع قانونی تبدیل می کرد. این مجلس، می بایستی قانون اساسی برای مملکت می نوشت و اصول سیاسی و اداری و اجتماعی ایران را برهم می زد و تشکیلات و رویه های نوینی جانشین آن می کرد و آن، کار سهل و آسانی نبود، چونکه با منافع خوانین و ولات و حکام و شاهزادگان و ملاکین معاشرت داشت و طبعاً از طرف آنان کار شکنیهای مؤثری می شد. تنها خوشبختی مجلس ملی ایران، این بود که روحانیون در درجه اول و تجار و اصناف در درجه سوم با این امر مهم دینی تأسیس مجلس همراه و همگام بودند.

همزمان با افتتاح مجلس، در شهرها هم طبقات ششگانه به وظیفه خود عمل کردند و نمایندگان خود را انتخاب و روانه تهران نمودند و تدریجاً مجلس قوه و قدرتی پیدا کرد.

اولین اقدام مجلس اول، رد لایحه اخذ وام از خارجیان بود. روز ۲۳ آبان

در این زمینه جلسات متعددی تشکیل شد و سرانجام هیئتی مأمور تنظیم نظامنامه انتخابات و مجلس شد و ظرف دو روز نظامنامه، تهیه شد و به توشیح شاه رسید و دستور انتخابات صادر گردید.

انتخابات دوره اول مجلس به صورت طبقاتی انجام گرفت؛ زیرا مردم را به شش طبقه تقسیم و برای هر طبقه، تعدادی نماینده تعیین کرده بودند. این طبقات، عبارت بود از:

- ۱- شاهزادگان؛
- ۲- اعیان و اشراف؛
- ۳- علما و طلاب علوم دینی؛
- ۴- تجار؛
- ۵- اصناف؛
- ۶- ملاکین و فلاحین.

روز ۱۴ مهر ماه ۱۲۸۵ انتخابات مجلس در تهران پایان یافت و نخستین جلسه آن در کاخ گلستان با نطق مظفرالدین شاه فاجار افتتاح شد.

روز بعد جلسه مجلس با حضور نمایندگان تهران رسمیت خود را اعلام و هیئت رئیسه خود را تعیین کرد. در این جلسه مرتضی قلی خان



عمارت بهارستان پیش از تشکیل مجلس شورای ملی

دولت کوچک ترین مداخله ای در سانسور آن نکند. نمایندگان دوره اول، قانون اساسی را در ۵۱ ماده تهیه و مورد تصویب قرار دادند و در هشتم دیماه ۱۲۸۵ به امضای مظفرالدین شاه رسید و صورت قانونی یافت. ده روز پس از امضای قانون اساسی، مظفرالدین به علت بیماریهای گوناگون در گذشت و محمدعلی میرزا ولیعهد، به نام پادشاه ایران تاجگذاری کرد و خطبه به نام وی خوانده شد.

چند روزی از جلوس شاه جدید نگذشته بود که مجلسیان چهره درهم کشیدند و یک مرکز انقلابی درجه اول شدند. دلیل این موضوع، واضح و روشن بود. محمدعلی میرزا با توجه به سوابق امر در دوران ولیعهدی چه در تبریز و چه در تهران، مردی دیکتاتور و سفاک بود. نه تنها به مشروطه و مجلس موافقت نداشت بلکه در پی فرصت بود که بنیان آن را وازگون و سرتگون سازد. او، تربیت شده صاحبمنصبان روسی مانند شاپشال و لیاخوف بود و بنابراین، ملت را رعیت و برده خود می دانست و هرگز اجازه نمی داد به نام مردم، عده ای در مجلس در کار مملکت و اداره حکومت دخالت کنند. غیر از تربیت ذاتی، او دست پرورده استبداد روسی بود و روسهانی با مشروطه موافق نبودند.

ماه ناصرالملک همدانی، وزیر مالیه در مجلس حضور یافت و نطقی پیرامون وضع مالی دولت و تهی بودن خزانه و پرداخت نشدن حقوق دولتیان ایراد کرد و مصراً از مجلس درخواست استقراض از دول خارجه نمود. تنی چند از نمایندگان، به سخنان وزیر مالیه جواب دندان شکن و پرخاش آمیز دادند و لایحه دولت را رد کردند و برای رفع بحران مالی، تأسیس بانک ملی و تعدیل بودجه و مخارج را پیشنهاد کردند. بلافاصله از طرف مجلس هیئتی تعیین شده تا نسبت به تعدیل بودجه و دخل و خرج مملکتی طرحی تهیه نماید. از اعضای برجسته این هیئت، نام وثوق الدوله و امین الضرب و سیدحسین تقی زاده را می توان برد که ظرف یک سال رسیدگی بودجه کشور را تعدیل کرد و بین خرج و دخل مملکت توازن ایجاد کرد و از طرف دیگر اعلان تأسیس بانک ملی را برای بی نیاز شدن از خارجیان منتشر ساخت و ظرف یک هفته مبلغی حدود پانزده کرویر تومان فراهم گردید.

از اقدامات دیگر مجلس در ماههای اول، انتشار روزنامه ای بود به نام مجلس که امتیاز آن به نام میرزا محسن مجتهد، به مدیریت سید محمد صادق طباطبایی و سردبیری ادیب الممالک فراهانی صادر گردید. در فرمان شاه برای انتشار روزنامه، اجازه داده بود که مطالب را عربان و بی پرده بنویسند و



صدر اعظم، وزرا و تجار هنگام آوردن دستخط مشروطیت به مجلس

نمایی مجلس در مقابل شاه بود. رد قرارداد ۱۹۰۷ در مجلس و عزل مسعود میرزا ظل السلطان از حکومت اصفهان، برکناری قوام الملک از شیراز، آصف الدوله از خراسان، فیروز میرزا از کرمان و چند نفر دیگر، از خواسته های مجلسیان بود.

میرزا علی اصغر خان اتابک، روز هشتم شهریور هنگام خروج از کاخ بهارستان، به ضرب چند گلوله عباس تبریزی به قتل رسید و متعاقب آن، صنیع الدوله از ریاست مجلس کناره گرفت. مجلس بلافاصله احتشام السلطنه (۵) را به ریاست مجلس برگزید و محمد علی میرزا هم بدون مشورت با نمایندگان مجلس، میرزا احمد خان مشیر السلطنه (۶) را - که از مخالفان حکومت مشروطه و مجلس بود - به ریاست دولت برگزید و این انتخاب، شکاف بین شاه و مجلس را عمیق تر کرد. در همین ایام، متمم قانون اساسی در ۱۰۵ اصل به تصویب مجلس شورارسید و محمد علی میرزا ضمن انتشار اعلامیه ای، مسرت خود را در تصویب این قانون اعلام کرد.

نمایندگان مجلس - که از انتخاب مشیر السلطنه به سمت رئیس الوزرای ناراضی بودند - در روز ۲۳ مهر ماه ۱۲۸۶ در جلسه علنی او را مورد انتقاد شدید قرار دادند و در مورد ادامه زمامداری او رأی گیری کردند. در نتیجه در

احضار میرزا علی اصغر خان امین السلطان (اتابک اعظم) از اروپا برای رئیس الوزرای ایران، نشانه دیگری بود که او می خواست به دست امین السلطان (۳) - که سالیان طولانی صدراعظم استبداد بود - مشروطیت را مضمحل و نابود سازد. از این رو در جلسات مجلس در مورد احضار امین السلطان سر و صدایی بلند شد و تقی زاده به عنوان پرچمدار مخالفت با ورود اتابک، نطق پرشوری ایراد کرد و اعتراض خود و مجلسیان را از این موضوع، عریان و بی پرده بیان داشت. این نطق، آن چنان مؤثر بود که هنگامی که میرزا علی اصغر خان با یک کشتی جنگی زرهپوش روسی و تشریفات کامل وارد بندر انزلی شد، مجاهدان گیلان مانع پیاده شدن او شدند و سپس با نمایندگان مجلس تلگراف حضوری نموده و کسب تکلیف کردند؛ ولی مجلس موافقت خود را با ورود او اعلام کرد.

اتابک وارد شد و فرمان نخست وزیری خود را دریافت کرد و به تعیین وزرا پرداخت و آنان را به مجلس معرفی نمود. در کابینه اتابک، کامران میرزا ۴ به سمت وزیر جنگ معرفی شد. حضور نیافتن کامران میرزا در مجلس - که بی اعتنائی به خانه ملت بود - با اعتراض عده ای از نمایندگان مواجه شد و سرانجام رأی به برکناری او گرفتند و تصویب شد و این، یک جور قدرت



عمارت بهارستان پس از نقل مکان مجلس شورای ملی

پی‌نوشتها:

- ۱- اعضای این هیئت، عبارت بودند از مرتضی قلی خان صنیع الدوله، میرزا حسن خان مشیرالملک، میرزا حسین خان مؤتمن الملک، مهدیقلی خان مخبر السلطنه و میرزا حسن محنتم السلطنه.
- ۲- مرتضی قلی خان صنیع الدوله فرزند علیقلی خان مخبر الدوله، تحصیلکرده آلمان بود و درجه مهندسی در معدن داشت. وی از رجال مصلح و دانشمند ایران بود و در حوالی به دامادی مظفرالدین شاه درآمد و پس از طی چند نوبت وزارت، در ۱۲۸۹ نزدیک منزل خود به دست یک تبعه روس کشته شد.
- ۳- میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم، صدراعظم ناصرالدین شاه و در دو نوبت صدراعظم مظفرالدین شاه، در سال ۱۳۲۱ق. پس از عزل از صدارت به اروپا عزیمت کرد و در مدت چهار سال اقامت در خارج از ایران، به غالب کشورهای اروپایی سفر کرد. چندی هم در ژاپن بود و بعد به زیارت خانه خدا مشرف گردید. پس از فوت مظفرالدین شاه، محمدعلی میرزا برای برهم زدن اساس مشروطیت، او را به ایران دعوت کرد. اتابک این دعوت را پذیرفت و به ایران آمد و نخست وزیر مشروطه شد و با نمایندگان از در صلح و صفا درآمد؛ ولیکن عده‌ای او را خوب می‌شناختند و می‌دانستند که او در صدد اغفال مجلسیان است. لذا تصمیم به قتل وی گرفته شد و برنامه به مرحله اجرا درآمد.
- ۴- کامران میرزا فرزند ناصرالدین شاه، در تمام مدت سلطنت پدرش وزیر جنگ بود. او، مردی بی‌کفایت و مال دوست بود. یکی از دخترانش به نام ملکه جهان، به همسری محمدعلی شاه درآمد. کامران میرزا در سال ۱۳۰۷ش. در تهران درگذشت. وی خلع سلسله قاجاریه را مشاهده کرد.

اثر رای کیود، دولت ساقط شد و بدین ترتیب رئیس الوزرای منتخب شاه را مجلس عزل کرد. این بار محمدعلی میرزا برای تعیین نخست وزیر با نمایندگان به شور و مذاکره نشست و از آنها برای رئیس الوزرایی نظر خواهی کرد و نمایندگان، ناصرالملک همدانی ۷ را پیشنهاد کردند و بلافاصله شاه فرمان صادر کرد. ناصرالملک از میان رجال موجه - که مورد توجه مجلس بودند - عده‌ای را به وزارت انتخاب کرد و مشغول کار شدند.

در همین هنگام چند روزنامه تندرو (نامه روح القدس) به مدیریت سلطان العلمای خراسانی، "صور اسرافیل" به مدیریت میرزا جهانگیر شیرازی، "مساوات" به مدیریت محمدرضا برازجانی، در افق مطبوعات ایران طلوع کردند. این روزنامه‌ها، از تندروترین جراید کشور بودند و لیه تیز حملات آنها متوجه شخص محمدعلی شاه بود و مرتباً در شماره‌های خود، شاه را مورد حمله و انتقاد قرار داده، هر بار نسبتی ناسزا به او وارد می‌کردند که این خود، شکاف اختلاف بین شاه و مجلس را عمیق‌تر می‌کرد.

محمدعلی شاه، بنا به تقاضای ناصرالملک بار دیگر در مجلس حضور یافت و سوگند وفاداری به مشروطیت به جای آورد و متذکر شد که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران خواهد کرد؛ امری که بعدها، خلاف آن به اثبات رسید.



محمد علی شاه



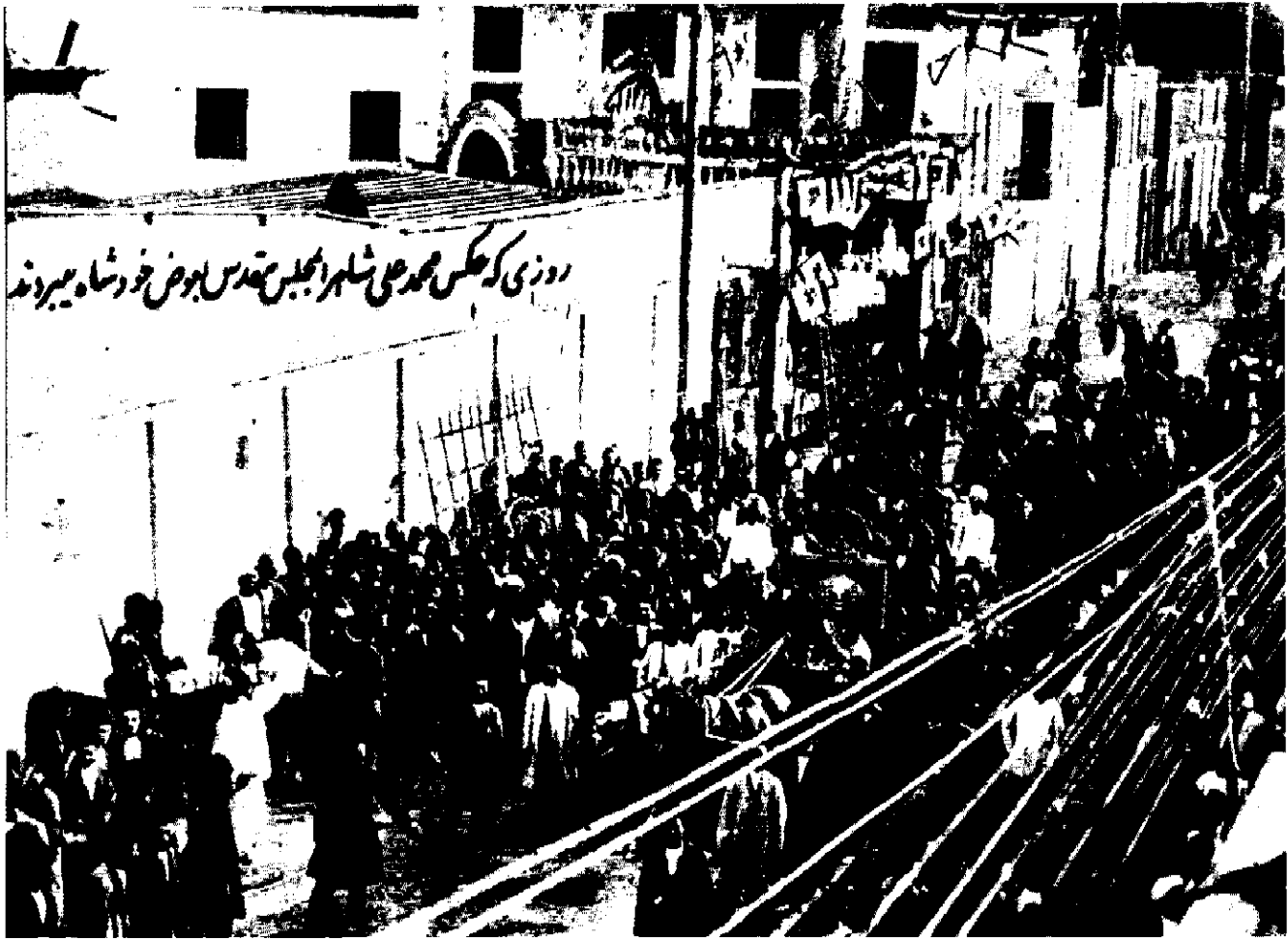
علی اصغر خان امین السلطان (اتابک اعظم)



میرزا احمد خان مشیر السلطنه



سیدحسین تقی زاده



روزی که به جای محمدعلی شاه، تصویر او را به مجلس بردند.

بوده با مشروطه مشروعه موافقت داشت. در زمان حیات، در خیابان مولوی مسجد و مدرسه ای بنا کرد که هم اکنون باقی است.

۷- ابو القاسم قره گوزلو، تحصیلکرده انگلستان و از مالکان بزرگ همدان بود. مشروطه را برای ایران زود می دانست. پیش تر عمر خود را در لندن گذرانید و دوستان موثری در آن کشور داشت. از نظر دیپلماسی، از طرفداران سیاست انگلیس در ایران بود. ناصر الملک، با حمایت کامل دولت انگلستان مدت چهار سال نایب السلطنه ایران شد و پادیکتاتوری کامل، ایران را به سوی بدبختی سوق داد. در اواخر عمر به تهران آمد و در ۱۳۰۶ش. درگذشت.

۵- میرزا محمودخان احتشام السلطنه فرزند میرزا رحیم خان علاءالدوله، مردی وطن دوست و باسواد بود. مدتی در اروپا به سیر و سیاحت مشغول بود و میل به اجرای تمدن غرب در ایران داشت. از این رو، با مشروطه موافق بود و غالباً با شاه در مجادله قرار می گرفت. سرانجام پس از شش ماه اداره کردن مجلس، به علت اختلاف با محمدعلی شاه و سید عبدالله بهبهانی، از ریاست کناره گرفت و به اروپا عزیمت کرد و در ۱۳۱۴ش. در تهران درگذشت.

۶- میرزا احمدخان مشیر السلطنه، در دربار مظفرالدین شاه مقام و موقعیت خاصی داشت. خطی زیبا داشت و در نوشتن نامه به طور مرتجل ماهر بود و از این رو، سالها منشی ولیمهد بود و لقب منشی باشی گرفت. از مقلدین شیخ فضل الله نوری